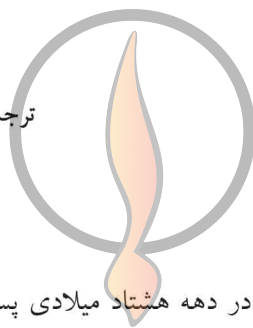


درک خشونت‌های انتخاباتی در آسیا

سایمون الکسس فیلی

سوفی خان

ترجمه: محمدسخی رضایی*



مقدمه

بسیاری از کشورهای بلوک شرق در دهه هشتاد میلادی پس از ختم جنگ سرد، از نظام کمونیستی به نظام انتخابات دموکراتیک پیوستند. به بیان دیگر، سقوط توتالیتاریزم در مقام یک روش باثبات و بادوام حکومتداری، هجوم کشورهای دارای نظام کمونیستی به دموکراسی را در پی داشت. در نتیجه، دموکراتیزه سازی در مغولستان سبب شد که اولین انتخابات پسا کمونیستی در سال ۱۹۹۰ در این کشور برگزار شود؛ در حالیکه این انتخابات دموکراتیک در کمبوجیا در سال ۱۹۹۳، پس از چندین دهه جنگ و فراز و فرودهای سیاسی، برگزار شد و از سازمان ملل متحد خواسته شد تا مدیریت آن را به عهده بگیرد.

با این رشد سریع در سیستم‌های دموکراتیک بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰، تعداد دموکراسی‌های مبتنی بر انتخابات در جهان براساس گزارش خانه آزادی از ۷۶ به ۱۱۶ کشور افزایش یافت که در نتیجه، تعداد دولت-ملت‌ها در سطح جهان از ۴۱ به ۶۰ درصد رسید (خانه

* نویسنده و پژوهشگر و استاد دانشگاه.

آزادی، آزادی در جهان در سال ۲۰۱۰).

در طول این دوره با اینکه دیدگاهی در سطح جامعه جهانی مبنی بر این شکل گرفت که انتخابات هدف نهایی توسعه دموکراتیک و نقطه عزیمت گذار دموکراتیک و پایان بخشیدن به نظامی‌گری در دولت‌های شکننده است. با این وصف، در حالیکه تعداد دموکراسی‌های ظاهری رو به افزایش بود، بسیاری از دولت‌ها نتوانستند به اصلاحات وسیع دموکراتیک مانند افزایش مشارکت سیاسی، بهبود نمایندگی مردم، افزایش حساب‌دهی یا استفاده از انتخابات به حیث استراتژی مدیریت تغییر مشروع سیاسی دست یابند.

بنابراین، دموکراسی انتخاباتی در بسیاری از کشورها با بهای گزافی بدست آمده است و هر سال هزاران نفر جان‌شان را در ارتباط به انتخابات رقابتی از دست می‌دهند. از جمله پیامدهای خشونت انتخاباتی می‌توان به تحت فشار قراردادن مشارکت مردم، تأثیر منفی بر ثبت‌نام رأی‌دهندگان و کاندیداها، اخلال در رقابت کاندیداها، ایجاد و عمیق‌سازی شکاف‌های اجتماعی در جامعه یا حتی تأخیر یا عدم برگزاری انتخابات اشاره نمود. با اینکه خشونت انتخاباتی یک پدیده دیرینه است، موضوع ورقه‌های رأی‌دهی، مانند ورقه‌های رأی‌دهی در افغانستان طی سال‌های اخیر توجه مراجع مربوطه را به ایجاد یک محیط مصئون برای تأمین شرایط انتخابات آزاد و دموکراتیک جلب کرده است. اما خشونت انتخاباتی اندوخته دولت‌های در حال انتقال یا شکننده نیست؛ زیرا حتی در دموکراسی‌های دارای پیشینه در آسیا موارد خشونت انتخاباتی همواره گزارش شده است. از اعتراضات خیابانی در تایلند تا سایر خشونت‌های انتخاباتی در آسیا که توجه مراجع بین‌المللی را به خود جلب کرده و سیستم‌های انتخاباتی در هر یک از این کشورها را زیر سوال برده‌اند. در نتیجه، پژوهش‌های مختلفی در زمینه نگرش‌ها، بازشماری آراء و تأثیر خشونت‌های انتخاباتی بر احساس مردم نسبت به انتخابات عادلانه و بی‌طرفانه صورت گرفته است. بر مبنای معلومات بدست‌آمده از کشورهای مختلف آسیایی، این نوشتار تلاش می‌کند تا مفاهیم کلیدی خشونت انتخاباتی را شناسایی نموده و وضعیت انتخاباتی در این منطقه را روشن سازد و مشخص نماید که کارگزاران عمده دخیل در خشونت‌های انتخاباتی در هر کشور چه کسانی هستند.

خشونت انتخاباتی چیست؟

با در نظر داشت سرشت قرینه‌ای خشونت انتخاباتی، شگفت‌آور نیست که شکل خشونت انتخاباتی از یک کشور تا کشور دیگر فرق می‌کند و علاوه بر آن، تعاریف آن نیز با در نظر داشت بستر سیاست و خشونت در هر کشور بازساخته می‌شود. با در نظر داشت این موضوع، برنامه انکشافی ملل متحد بر مبنای یافته‌های مطالعات انجام شده و تلفیق آنها، تعریف زیر را از خشونت انتخاباتی ارائه کرده است:

«هر نوع عمل یا تهدید به زور، تحریک، یا آسیب فیزیکی برای تحت تأثیر قراردادن یک پروسه انتخاباتی یا ظهور موارد یادشده در متن و بستر رقابت‌های انتخاباتی، خشونت انتخاباتی شمرده می‌شود. زمانی که خشونت انتخاباتی با هدف تحت تأثیر قراردادن یک پروسه انتخاباتی صورت می‌گیرد، خشونت ممکن است برای اعمال نفوذ بر روند انتخابات، از قبیل تلاش‌های مختلف برای به تأخیر اندازی، اخلال یا انحراف مسیر انتخابات یا اعمال نفوذ بر نتایج انتخابات مانند تعیین برندگان در روند رقابت برای دستیابی به جایگاه‌های سیاسی یا تأمین شرایط تأیید یا عدم تأیید پرسش‌های رفراندوم، صورت گیرد.»

زمانی که عناصر مختلف خشونت انتخاباتی تجزیه می‌گردد، به یک اجماع کلی بر روی سه شکل خشونت انتخاباتی می‌توان دست یافت: تأسیس ۱۳۹۴

یکم، اولین و آشکارترین شکل خشونت انتخاباتی، خشونت فیزیکی یا عمل فیزیکی برای آسیب‌رساندن به طرف مقابل، توهین و حملات بر اجتماعات یا کاندیداها، خشونت مبتنی بر جنس، اوباشگری و قتل‌های سیاسی در طول دوران مبارزات انتخاباتی ممکن است که کاندیداها یا انتخاباتی را وادار به ترک روند انتخابات نماید یا منجر به عدم برگزاری انتخابات شود.» (برنامه انکشافی ملل متحد، انتخابات و جلوگیری از کشمکش‌های انتخاباتی: رهنمود تحلیل و برنامه ریزی، ۲۰۰۹).

دوم، اعمال خشونت‌آمیز می‌تواند وسایل، ساختمان‌ها و زیرساخت‌ها و نیز مردم را مورد هدف قرار دهد. برای مثال، هدف قراردادن یا تخریب عمدی مواد مبارزات انتخاباتی، وسایط،

دفا تر یا صندوق‌های رأی‌دهی ممکن است باعث شود که مردم نتوانند به شکل آزاد و عادلانه رأی دهند.

سوم، به کارگیری تهدیدها و تحریک‌های مرتبط با اشکال مختلف زور و اجبار که به اندازه عمل خشونت‌آمیز قدرتمند می‌باشند. بدون تردید، تهدید به خشونت، بخصوص در جایی که قبلاً تضاد و کشمکش وجود داشته است، می‌تواند تأثیرات قدرتمندی به اندازه خشونت واقعی فیزیکی بر میزان مشارکت مردم و نتایج انتخابات داشته باشد. این امر می‌تواند شامل هدف قراردادن حامیان احزاب سیاسی با تهدید به آسیب‌رساندن به آنها در صورت کمپاین برای کاندیداهای مشخص یا حتی تهدید فیزیکی کاندیداها برای جلب حمایت مردم و موضوعات مشخص (مانند حقوق بشر و یا حقوق زمین) شود. از دید مدیریت منازعه، گفتمان خشن تأثیر جدی، هم بر قطب‌بندی محل‌های انتخاباتی حول محور خاستگاه‌های خشونت دارد و در حالات شدید می‌تواند منجر به انفجار خشونت شود و منازعات دارای ریشه‌های عمیق اجتماعی را در جامعه فعال سازد.

براساس یافته‌های مطالعات موردی در این تحقیق، رابطه‌ای بین خشونت انتخاباتی و تقلب یا اتهام به تقلب انتخاباتی وجود دارد. تقلب گسترده مانند دسیسه‌سازی برای رشوه‌دادن به رأی‌دهندگان، مذاکره پنهانی در مورد اوراق رأی‌دهی، شمارش غیرصادقانه آراء یا دستکاری در لیست رأی‌دهندگان می‌تواند منجر به واکنش شدید کاندیداها، به شمول افرادی شود که فکر می‌کنند فریب داده شده‌اند. در چنین مواردی لازم نیست تا تقلب انتخاباتی ثابت شود؛ بلکه تنها بدگمانی یا اتهام تقلب کفایت می‌کند تا مردم به آن به شکل خشن واکنش نشان بدهند. برای مثال، در تایلند عامل اصلی تظاهرات خشن خیابانی، اتهام هردو حزب سیاسی به یکدیگر مبنی بر سوء استفاده از پروسه انتخابات توسط طرفین بوده است. در بنگلادش، بحران‌های انتخاباتی در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ به دلیل عدم اطمینان مردم به روند سیستم انتخاباتی شکل گرفت. در نتیجه سقوط روند انتخابات در جنوری ۲۰۰۷ فاش شد که حدود ۱۲ میلیون نفر رأی‌دهنده به شکل غیر قانونی در پروسه انتخابات شامل شده‌اند.

بنابراین، استقلال روند انتخابات و اداره آن و نحوه طرح، مدیریت و تطبیق آنها نقش مهمی در خشونت‌های انتخاباتی دارد. زیرا انتخاباتی که به نظر برسد به اندازه کافی آزاد، منصفانه و شفاف (باید به خاطر داشت که هیچ انتخاباتی کامل نیست) است، کمتر احتمال دارد که به خشونت کشیده شود. متأسفانه، نهادهای مدیریت انتخابات اغلب دارای ظرفیت لازم یا بی‌طرفی سیاسی نمی‌باشند تا از بهترین سناریوی انتخاباتی اطمینان حاصل شود. همچنین، ممکن است نهادهای انتخاباتی در فضا و شرایطی فعالیت کنند که احزاب سیاسی علاقه اندکی به پذیرش نتایج انتخابات دارند. در چنین حالتی، حتی انتخاباتی که از نظر مردم مشروعیت دارد و توسط یک کمیسیون واجدالشرایط و مستقل دایر شده است، نهاد متولی انتخابات دارای توانایی کمی برای مدیریت خشونت انتخاباتی توسط احزاب سیاسی خواهد بود.

از این رو، برگزاری انتخابات شفاف و عادلانه دقیقاً بستگی به همکاری حکومت و رفتار احزاب سیاسی و مدیریت تکنیکی انتخابات دارد.

چرخه انتخابات و خشونت انتخاباتی

انتخابات به خودی خود می‌توانیم کافی برای مدیریت تغییر سیاسی بدون جلب حمایت بازیگران سیاسی در قواعد بازی نیست. در چنین شرایطی، انتخابات می‌تواند در مقام هیزم خشکی در یک خرمن عمل کرده و به آسانی متجز به شعله‌ور شدن خشونت‌ها و درگیری‌ها شود تا فراهم کننده شرایط مسالمت‌آمیز انتقال قدرت. برای مثال، قتل رهبر سیاسی پاکستان، بی‌نظیر بوتو، در ۲۷ دسامبر ۲۰۰۷ در زمان کارزارهای انتخاباتی، و نیز تظاهرات انتخاباتی سال ۲۰۰۹ در ایران که در آن تعدادی از مردم کشته شدند و در نتیجه محمود احمدی‌نژاد برای دور دوم به عنوان رئیس جمهور انتخاب شد، از جمله مثال‌های روشن در این زمینه به شمار می‌روند.

اما همان‌طوری که انتخابات می‌تواند منجر به شعله‌ور شدن خشونت‌ها شود، انتخابات می‌تواند بستر و فرصتی را برای مدیریت تغییر سیاسی به شکل مشارکتی و صلح‌آمیز نیز فراهم نماید. پروسه‌های انتخاباتی می‌توانند برای مدیریت منازعات اجتماعی از طریق گفتگوی

مردم، بحث‌های فشرده و انتخاب مشروع رهبران از طریق قواعد انتخاباتی است. به عنوان نقطه ثقل انتخابات و بر اساس اصول توسعه دموکراتیک، زمانی که مردم فکر کنند که در فرایند یک انتخابات عادلانه به آنها فرصت داده شده است تا صدای‌شان شنیده شود، بیشتر مایل هستند نتایج انتخابات را بپذیرند و مشروعیت حکومت را تضمین کنند تا دولت بتواند پالیسی‌ها و برنامه‌های خود را به منصفه اجرا بگذارد. (الکت جی و سونسون پی، «چه چیزی انتخابات را آزاد و عادلانه می‌سازد؟»، ژورنال دموکراسی، سال هشتم، شماره ۳، ۱۹۹۷).

بنابراین، همان‌طوری که ما دارای پالیسی‌ها و فرایندهای چرخه‌ای برای مقابله با تابستان‌های داغ، خشک و طولانی هستیم تا اطمینان حاصل کنیم که توان بالقوه آتش‌سوزی را تا سطح حداقل آن محدود ساخته ایم، اگر چه قادر به از بین بردن کامل خطر نبوده ایم، کارشناسان انتخاباتی به شمول برنامه انکشافی ملل متحد نیز به این نتیجه رسیده‌اند که پلانگذاری انتخاباتی نیز یک فرایند چرخه‌ای است تا فرایند رویدادگرا تا از این طریق بتوان برگزاری انتخابات آزاد، عادلانه و مسالمت‌آمیز را تضمین کرد. در چهارچوب چنین رویکردی، زنجیره انتخاباتی به سه مرحله وابسته به هم تقسیم می‌شود:

۱. مرحله پیش‌انتخابات که متمرکز بر آمادگی‌ها انتخاباتی به شمول پلانگذاری، آموزش و ثبت نام است؛
۲. مرحله انتخابات که متمرکز بر فعالیت‌هایی مانند تعیین نامزدان انتخاباتی، رأی‌دهی و مدیریت نتایج انتخابات است؛
۳. مرحله پس‌انتخاباتی که متمرکز بر استراتژی‌هایی مانند بررسی، پلانگذاری استراتژیک و اصلاحات حقوقی است.

همچنین، این رویکرد دورانی می‌تواند به ما در تعیین زمان احتمالی وقوع خشونت انتخاباتی و تعیین نوع آن کمک کند. برای مثال، تهدید و تحریک ممکن است برای دخالت در ثبت نام رأی‌دهندگان در دوره پیش‌انتخاباتی صورت گیرد و مشارکت مردم در انتخابات ممکن است با خودداری بخش‌های عظیمی از جامعه از شرکت در رأی‌دهی به دلایل خشونت انتخاباتی

یا وقوع واقعی خشونت در دوره انتخابات تحت تأثیر قرار بگیرد و ممکن است خشونت انتخاباتی بعد از رأی‌دهی در دوره پساتنخاباتی به این دلیل روی دهد که رأی‌دهندگان باور کنند که انتخابات غیرمشروع و همراه با تقلب بوده است.

تمرکز بر خشونت حول محور چرخه انتخاباتی این مزیت را دارد که بتوان تمام موارد خشونت انتخاباتی را شناسایی کرد. نماینده خاص برنامه انکشافی ملل متحد در امور انتخابات در سال ۲۰۱۰ گزارش داده است که تنها ۱۱ درصد خشونت‌ها و قتل‌های انتخاباتی در روز انتخابات در این سال روی داده است، ۴۶ درصد این حوادث قبل از انتخابات و ۴۳ درصد حوادث یادشده پس از انتخابات روی داده است. این نتایج نشان می‌دهد که چگونه با تمرکز بر خشونت‌ها در روز انتخابات ممکن است از خشونت‌هایی که امکان دارد طی سه ماه قبل یا بعد از روز انتخابات روی بدهند، غافل شویم (الستون، پی، «نماینده ویژه انتخاباتی: خشونت‌ها و قتل‌های مرتبط با انتخابات، ۲۰۱۰»).

بازیگران خشونت انتخاباتی

نگرش دورانی به انتخابات به ما کمک می‌کند تا بتوانیم نسبت به بازیگران متنوع مختلف انتخاباتی که توان ایجاد خشونت انتخاباتی دارند را ^{۱۳۹۴}می‌توانند هدف خشونت انتخاباتی قرار بگیرند، آگاهی داشته باشیم. فراتر از نهادهای متولی انتخابات، فعالان سیاسی، ادارات حکومتی، ادارات امنیتی، گروه‌های مدنی و رسانه‌ای، سازمان‌های دینی و جنبش‌های دانشجویی می‌توانند تأثیرات مثبت و منفی بر تعمیق دموکراسی در یک کشور از طریق انتخابات داشته باشند. در نتیجه، بازیگران یادشده در این تحقیق، نقش خطیری در ایجاد یا جلوگیری از خشونت انتخاباتی در کشورهای آسیایی داشته‌اند.

نهادهای مدیریت انتخابات

انتخاب و عملکرد اداره انتخاباتی، نیز چهارچوب حقوقی که تعیین کننده استقلال چنان نهادی است، می‌تواند تأثیر مستقیمی بر خشونت انتخاباتی داشته باشد. نهادهای مدیریت انتخابات

می‌توانند نقش محوری را در مسایل مربوط به بی‌طرفی، استقلال، کارایی، مسلکی‌گرایی و شفافیت انتخابات بازی کنند. هرگاه عملکرد یکی از نهادهای مربوطه زیر سوال برود، خواه به خاطر عدم ظرفیت، صلاحیت یا فعالیت واقعی در تقلب انتخاباتی، بستری برای بدگمانی و بی‌اعتمادی می‌تواند ایجاد شود که منجر به تزلزل در اعتماد می‌گردد و می‌تواند منجر به خشونت انتخاباتی شود که از جمله ویژگی‌های انتخابات در مناطق منازعه‌خیز است. برای مثال، با وجود یک چهارچوب قوی در پاکستان، کمیسیون انتخابات این کشور همواره متهم به عدم استقلال، بی‌طرفی و یکپارچگی شده است. از آنجایی که کمیسیون انتخابات پاکستان نتوانسته است در برابر قوه مجریه ایستادگی نماید، ویژگی بارز انتخابات در پاکستان بی‌اعتمادی مردم به کمیسیون انتخابات و پایین‌ترین میزان مشارکت مردم در جنوب آسیا را در این کشور رقم زده است. این مسأله کاملاً در صوبه سرحد - جایی که کمیسیون انتخابات قادر به رسیدگی یا جلوگیری از تخطی احزاب سیاسی در پایمال کردن حقوق زنان نبوده - کاملاً آشکار است.

احزاب سیاسی

از آنجایی که احزاب سیاسی خواسته‌های سیاسی را کانال‌دهی، منسجم و بیان می‌کنند، نقش مهمی را در مدیریت منازعات انتخاباتی در جوامع مختلف بازی می‌نمایند. احزاب سیاسی که حول محورهای فرهنگی، زبانی، دینی، منطقه‌ای یا دیگر محورهای این چنینی شکل می‌گیرند، در زمینه‌های یادشده نقش پررنگ‌تری دارند. در صورتی که تعهد و باورمندی احزاب سیاسی به ارزش‌های دموکراتیک در سطح بلندی قرار نداشته باشد، و اگر سیستم انتخاباتی و قوانین حاکم بر احزاب دارای مؤثریت نباشد، این احزاب به شدت در اختیار منافع گروه‌های نخبه رقیب قرار خواهند گرفت، شکاف‌های اجتماعی را عمیق‌تر خواهند ساخت، زنان را به حاشیه خواهند راند و آجنداهای تفرقه‌افکنانه را در راستای دستیابی به قدرت در دستور کار خود قرار خواهند داد. با پایان یافتن جنگ‌های داخلی در سال ۲۰۰۶ در نپال، احزابی که حول محورهای دینی، قومی و زبانی شکل گرفته بودند، سهم بزرگی در قدرت داشتند که این امر منجر به تقویت انحصارگرایی در بین احزاب یادشده گردید. در حالیکه آزادی جابجایی در

زمان انتخابات شورای ملی با هدف جلوگیری از خشونت‌های انتخاباتی توسط گروه‌های مسلح غیرقانونی محدود گردید، میزان خشونت‌ها و اذیت‌و آزار توسط احزاب سیاسی در طول دوران انتخاباتی، درست قبل از انتخابات، با هدف تحت تأثیر قرار دادن نتایج انتخابات از طریق تهدیدات و تحریکات مختلف افزایش یافت. این امر تأثیر منفی بیشتری بر کاندیدان زن داشت؛ زیرا به دلیل شرایط نامساعد و خصمانه، آنها قادر به کارزارهای انتخاباتی در این دوره نبودند.

یافته‌های تحقیقاتی نشان می‌دهد که نهادهای سازی یک سیستم حزبی بستگی به چهار عامل دارد: (۱) مقرر رقابت‌های حزبی؛ (۲) عمق ریشه احزاب در جامعه؛ (۳) میزان پذیرش احزاب و انتخابات در مقام ابزارهای تعیین‌کننده و اینکه چه کسی باید در رأس حاکمیت قرار داشته باشد؛ (۴) استحکام سازمان داخلی احزاب (ایجاد نهادهای دموکراتیک: سیستم‌های حزبی در آمریکای لاتین، مینورینگ و اسکولی، انتشارات دانشگاه استنفورد، ۱۹۹۵). برعکس، در کشورهای دارای سیستم‌های جوان یا ضعیف، احزاب سیاسی و سازمان‌های احزاب سیاسی معمولاً ضعیف می‌باشند، فراریت انتخاباتی در سطح بلند قرار دارد، ریشه اجتماعی احزاب ضعیف است و اشخاص منفرد، احزاب و انتخابات را تحت سیطره خود در می‌آورند. در فیلیپین، سیستم حزبی ضعیف در خدمت منافع دودمان سیاسی که شامل خانواده‌ها و متحدین نزدیک آنها می‌شود قرار گرفته است. وجود احزاب سیاسی در این کشور سبب شلیده‌شدن است که گروه‌های منزوی جامعه از مشارکت کامل در انتخابات و روندهای دیگری مانند گاندیدشدن برای پست‌های عالی محروم شوند؛ زیرا این امور نیاز به مصرف هزینه‌های گزاف، ارتباطات با حکومت و نهادهای انتخاباتی و حتی دسترسی به پولیس و نیروهای نظامی دارد.

حامیان احزاب سیاسی

براساس برخی یافته‌های تحقیقاتی، حامیان احزاب سیاسی عاملان اصلی تحریک و ارتکاب خشونت‌های فیزیکی بوده‌اند. در بسیاری از موارد آنها، بخصوص در طول کمپاین‌های انتخاباتی، رقبای سیاسی‌شان را به جای رهبران احزاب یا مقامات دولتی آماج حمله قرار داده‌اند. بطور مثال، طبق گزارش سازمان حقوق بشر بنگلادش، دو حزب عمده رقیب انتخاباتی

در کل مسئول ۹۰ درصد خشونت های انتخاباتی در انتخابات سال ۲۰۰۸ در این کشور بوده‌اند (بنیاد بین‌المللی برای سیستم‌های انتخاباتی، گزارش نهایی انتخابات بنگلادش، داکا، ۲۰۰۸). در این جا نیز نقش احزاب سیاسی در انتخابات یک نقش کلیدی است؛ زیرا رهبران قوی باید قادر به اعمال کنترل بر حامیان خود باشند. بدون شک رهبران سیاسی اغلب خواسته یا ناخواسته پیروان خود را با سخنان تحریک آمیز برمی‌انگیزانند.

نهادهای تنفیذ قانون و نیروهای امنیتی

یکی از عوامل کلیدی نظم یا بی‌نظمی در انتخابات خود دولت، بخصوص قوای پولیس و نیروهای نظامی آن است. در دولت های شکننده، ادارات حکومتی و نیروهای تأمین امنیت نقش مهمی در تأمین مصئونیت بازی می‌کنند. تأمین مصئونیت مراجع مختلف نظیر رأی دهندگان، کاندیداها، کارمندان محل های رأی‌دهی، رسانه‌ها و ناظران انتخاباتی؛ معلومات انتخاباتی از قبیل نتایج انتخابات، ثبت داده‌ها و مواد کمپاین های انتخاباتی؛ تسهیلات انتخاباتی نظیر محل های رأی‌دهی و مراکز شمارش آراء؛ حوادث مربوط به چرخه انتخاباتی از قبیل تظاهرات سیاسی از جمله مواردی است که نیروهای امنیتی در آنها دخیل می‌باشند. اما در مواردی که نیروهای امنیتی از یک جناح خاص حمایت می‌کنند یا مبادرت به فساد می‌کنند، احتمال زیادی وجود دارد که این نیروها نقش تحریک کننده خشونت‌های انتخاباتی را ایفا کنند تا نقش تأمین امنیت انتخابات. برای رسیدگی به این مسأله، برخی کشورها نیروهای امنیتی را از مداخله در انتخابات منع می‌کنند، و از آنها می‌خواهند تا پرسونل امنیتی بر سر وظایف خود در روز انتخابات باقی بمانند. در حالی که در برخی کشورهای دیگر، نیروهای نظامی بطور کامل در انتخابات دخیل هستند، ولی ممکن است تحت ترتیبات خاص عمل کنند، و یا ممکن است که مرجع مدیریت انتخابات به شکل مؤقت به عنوان سرقومندان اعلامی نیروهای مسلح عمل نماید (شبکه معلومات انتخاباتی <http://acceptproject.org>). در فیلیپین محل های خشونت خیز قبل از انتخابات شناسایی و پولیس محلی و نیروهای امنیتی قبل از انتخابات در آن جا مستقر می‌شوند و تحت نظر مستقیم کمیسیون انتخابات عمل می‌کنند.

علاوه بر آن، نیروهای امنیتی علاوه بر ایفای نقش مشخص در زمینه حوادث انتخاباتی، می‌توانند تأثیر مهمی در دیگر مراحل انتخاباتی نیز داشته باشد.

گروه‌های افراطی

بنیادگرایی دینی یکی از موضوعات قابل توجه به شمار می‌رود؛ زیرا این امر به یکی از عوامل عمده خشونت، از جمله خشونت‌های انتخاباتی در جهان مدرن تبدیل شده است. از آنجایی که گروه‌های ذیدخل منافعی را در ازای اجماع سیاسی جستجو می‌کنند، افراط‌گرایان دینی می‌توانند از طریق تهدید کسانی که دارای آجنداهای مختلف یا دیدگاه‌های متفاوت هستند بر انتخابات تأثیر منفی بگذارند. در صوبه سرحد، شمال غرب پاکستان، گروه‌های دینی و احزاب سیاسی محلی زنان را با زور از رأی دادن در انتخابات یا رقابت در انتخابات در مقام کاندیداهای انتخاباتی باز می‌دارند. همچنان، در بغداد عناصر مجرم تندرو از آمیزه‌های دینی برای تأمین منافع سیاسی خود استفاده می‌کنند. تأثیر افراطی‌گرایی دینی در بنگلادش طی سال‌های اخیر وخیم‌تر شده است. به شکل مشخص در اگست ۲۰۰۵، تعداد ۵۰۰ بمب در حملات هماهنگ بر تأسیسات قضایی و اداره ملکی در ۶۳ ناحیه شهری منفجر گردید و مسئولین امنیتی پس از بررسی‌هایی که انجام دادند، جماعت‌المجاهدین بنگلادش را مسئول حوادث یادشده دانستند. از آنجایی که حزب یاد شده هیچ قانونی جز قرائت خود از «قانون خدا» را به رسمیت نمی‌شناسد، محاکم، قضات و مسئولین ادارات حکومتی اهداف حملات آنها را تشکیل می‌دهند (گروه بحران بین الملل، تهدید جماعت‌المجاهدین بنگلادش).

جنبش‌های جوانان و دانشجویان

جنبش‌های جوانان و دانشجویان قدرت شکل‌دهی و بازتاب تلاش‌های وسیع برای تغییرات اجتماعی و سیاسی را دارند. در سال ۲۰۰۵، سه میلیارد نفر بین سنین ۱۵ تا ۲۵ سال قرار داشتند و حدود دو سوم یا ۶۱ درصد آنها در آسیا زندگی می‌کردند. در حالیکه این جمعیت عظیم یا از مشارکت و برخورداری از مزایای اقتصادی-اجتماعی و تحولات سیاسی کنار گذاشته می

شوند یا در جوامعی زندگی می‌کنند که آغشته به فساد و خشونت است، احتمال دارد که این نیروی عظیم، خود به عوامل خشونت‌های انتخاباتی تبدیل شوند.

در اندونیزیا نارضایتی گسترده مردم از نظم نوین مدیریت بحران مالی سال ۱۹۹۷ منجر به شکل‌گیری جنبش‌های دانشجویی گردید. جنبش‌های یادشده حکومت را متهم به بی‌کفایتی در مدیریت بحران کردند و در پی آن تظاهرات گسترده‌ای را در سراسر اندونیزیا راه اندازی نمودند و از رئیس‌جمهور سوهارتو خواستند که از قدرت کناره‌گیری نماید. در حالیکه تظاهرات به صورت مسالمت‌آمیز پیش می‌رفت، خشونت بین نیروهای امنیتی و دانشجویان شعله‌ور گردید و در نهایت در ماه می ۱۹۹۸ منجر به استعفای سوهارتو از پست ریاست جمهوری شد.

میکانیزم‌های جلوگیری از خشونت انتخاباتی

طرح یک استراتژی جامع برای جلوگیری از خشونت در چرخه انتخاباتی نقش محوری را در طرح نهادی، سیستم سیاسی و قوانین انتخاباتی یک کشور بازی می‌کند. ترکیب سه عامل یادشده در کشوهای که شاهد خشونت انتخاباتی بوده‌اند، از اهمیت خاصی برخوردار است. همچنین، کارایی ترکیب هر سه عامل یاد شده بستگی به پذیرش و اراده احزاب سیاسی و کنشگران مشارکت‌کننده در چرخه انتخاباتی و پذیرش نتایج انتخابات دارد. در حالیکه تحقق موارد یادشده قسماً بستگی به استقلال، شفافیت و کارایی یک نهاد مدیریت‌کننده انتخابات دارد، با وصف آن، انتخابات مسالمت‌آمیز شدیداً متکی به یک فرهنگ سیاسی است که برمبنای اصول دموکراتیک عمل می‌کند.

طرح نهادی

طرح یک سیستم سیاسی تأثیرات شگرفی بر شمولیت گروه‌ها، ایدئولوژی‌ها و منافع مختلف در یک سیستم دموکراتیک دارد. برخی سیستم‌ها می‌توانند ارائه‌کننده خیزشگاه‌های ایدئولوژیکی برای تشویق منافع محدود و تفرقه‌افکنانه حول محور رویکرد برد-باخت در

انتخابات باشند. اما برخی سیستم‌های دیگر می‌توانند مشوق اتخاذ پالیسی‌های وسیع‌تر و خیزشگاه‌های ایدئولوژیکی باشند که مشوق‌هایی را برای گروه‌های مختلف حول یک محور فراهم می‌کنند تا از این طریق بتوانند منافع عمومی را پیگیری و تأمین نمایند. برای مثال، ارائه مشوق‌های انتخاباتی برای سیاستمداران کمپاین‌کننده برای رأی‌گیری از گروه‌های قومی، دینی و ایدئولوژیکی غیر از گروه‌های خود آنها منجر به تشویق کاندیداها برای تعدیل شعارهای انتخاباتی و پرهیز از مسایل تفرقه افگانه می‌شود و آنها را وامی‌دارد تا موقف‌های حزبی‌شان را همه‌شمول‌تر و گستره‌تر بسازند. بدون تردید، سیستم‌های انتخاباتی که بطور خاص برای جمع کردن کنشگران سیاسی در زیر یک سقف طرح شده می‌توانند، فراتر از منافع محدود یک گروه خاص پا بگذارند و شانس بهتری برای کاهش گسل‌ها و شکاف‌های اجتماعی که تقویت‌کننده منازعات مختلف است، دارند.

سیستم حقوقی

قوانین حقوقی می‌توانند موانع حقوقی را در زمینه استفاده از خشونت انتخاباتی، رسالت و صلاحیت‌های نهادهای مدیریت انتخابات وضع کنند و مقرره‌هایی را برای کاندیدشدن نامزدان انتخاباتی وضع نمایند. قوانینی که از دید احزاب سیاسی و گروه‌های ذیدخل در انتخابات عادلانه به شمار نرود، می‌تواند اعتبار تمام‌پروسیه انتخابات را زیر سوال ببرد. در قوانین انتخاباتی می‌توان طرزالسلوکی را در نظر گرفت که استفاده از سخنرانی نفرت‌انگیز و سایر فعالیت‌هایی را که می‌تواند منجر به تحریک خشونت‌ها و قطب‌بندی انتخاباتی می‌گردد، ممنوع بسازد.

اما بدون فرایندها و تمهیدات لازم علیه کسانی که قانون‌شکنی می‌نمایند و موجودیت فرهنگ معافیت در یک کشور، حتی بهترین تلاش‌ها برای جلوگیری و کاهش خشونت‌های انتخاباتی بی‌نتیجه خواهد ماند. با این حال، یک مثال مثبت از قوانینی که در این زمینه تطبیق شده است، قانون انتخابات فیلیپین است. پولیس فیلیپین با استفاده از قانون منع تفنگ، برداشتن پوسته‌ها و محل‌های بازرسی و نظارت بر گروه‌های مسلح سکتور خصوصی توانست میزان

خشونت‌های انتخاباتی در سال ۲۰۱۰ را کاهش دهد.

حل اختلافات انتخاباتی

اختلافات بخش طبیعی هر رقابت شفاف دموکراتیک است. با این حال، حل مؤثر اختلافات به نحوی که به اعتماد مردم آسیب نرساند و منجر به درگیری‌های خشونت‌بار نگردد، کلید روند انتخابات به شمار می‌رود. در عین حال، میکانیزم‌های حل اختلافات انتخاباتی باید به موقع مورد اجرا قرار بگیرند تا بتوانند با چالش‌های مراحل مختلف پروسه انتخابات مقابله نمایند و فرایندهای رسمی حل اختلافات انتخاباتی باید به شکل واضح در قانون انتخابات و طرزالعمل‌های مربوطه در نظر گرفته شوند. از سوی دیگر، عینیت و بی‌طرفی میکانیزم‌های حل اختلافات انتخاباتی نقش محوری را در اعتمادسازی و مشروعیت روند انتخابات و نهادهای دموکراتیک بازی می‌کند.

نظارت بر انتخابات

۵۶۸

یکی از میکانیزم‌های مهمی که می‌تواند منجر به جلب اعتماد عامه در انتخابات و مانع خشونت انتخاباتی گردد، نظارت بر انتخابات در راستای جلوگیری از سوءاستفاده انتخاباتی و ثبت موارد خشونت در خلال روند انتخابات است.

نظارت بین‌المللی بر انتخابات در برنده سازمان‌هایی است که به عنوان سازمان‌های معتبر و بی‌طرف شناخته می‌شوند و بنابراین، می‌توانند در شناسایی و جلوگیری از سوءاستفاده در انتخابات، اعتمادسازی در مورد نتایج انتخابات و فشار مراجع بین‌المللی برای پذیرش نتایج انتخابات توسط کاندیداهای انتخاباتی شود.

نظارت بر انتخابات دموکراتیک در سطح محلی، مستلزم به کارگیری تعداد زیادی از مردم با داشتن دانش محلی است تا بتوانند موارد سوءاستفاده انتخاباتی را شناسایی و جلوگیری نمایند. در حالیکه گروه‌های ناظر انتخاباتی معمولاً برای دوره کوتاهی درست قبل و بعد از روز انتخابات فعالیت می‌کنند، سازمان‌های نظارتی حقوق بشری معلومات مربوط به خشونت انتخاباتی را به

شکل منظم جمع‌آوری می‌کنند و نیز توجه آنها متمرکز بر تخطی‌های حقوق بشری قبل و بعد از انتخابات است. روش‌های دیگر، متمرکز بر ثبت وقایع خشونت‌های انتخاباتی است و ممکن است وقایعی مانند تحریکات، قربانیان، تحریک کنندگان، واکنش‌ها و تأثیرات خشونت‌های انتخاباتی را مستندسازی کنند. در موارد آخر، چنین نظارت‌هایی برای ارائه یافته‌های کمیسیون‌های انتخاباتی، ادارات دولتی، نیروهای امنیتی، رسانه‌ها و دیگر مراجع ذیدخل برای کمک به تهیه پاسخ‌های لازم برای جلوگیری یا کاهش خشونت‌های بیشتر انتخاباتی صورت می‌گیرد. نظارت داخلی و خارجی فراهم کننده شفافیت و ابزارهای شناسایی و پیگیری، مواردی است که مانع ارتکاب خشونت می‌شود و زمینه حسابدهی به مراجع مربوطه را مساعد می‌سازد.

نتیجه‌گیری

تقویت اعتبار روند انتخابات عامل کلیدی برای جلوگیری از خشونت‌های انتخاباتی به شمار می‌رود. این امر نه تنها مستلزم توسعه تکنیکی و شفافیت است، بلکه مستلزم اصلاحات سیاسی و حقوقی، مشارکت وسیع مردم و نهادهای مدنی و آموزش‌های لازم در امر انتخابات است.

آنچه در زمینه انتخابات در آسیا واضح است، چنانچه در دیگر قسمت‌های جهان نیز وجود دارد ولی اغلب به آن اذعان نمی‌شود، **وابستگی متقابل سیاست و انتخابات** به یکدیگر است. **تأسیس ۱۳۹۶** دموکراسی به معنای این است که سیاستمداران برای بقای خود متکی به رأی مردم هستند. اختناق در سیستم انتخابات به معنای این است که شاید شکل و شمایل سیستم انتخاباتی حفظ شود، ولی خاستگاه دموکراتیک، اصول و مبادی آن از بین می‌رود و تنها نامی از آنها باقی می‌ماند. این وضعیت در کشورهایی که در آن کشمکش‌های داخلی وجود دارد، سیاستمداران را تشویق به حفظ تأمین ثبات به بهای آزادی می‌کند. بنابراین، برای مقابله با خشونت‌های انتخاباتی باید اصلاحات متمرکز بر جنبه‌های سیاسی و تکنیکی سیستم انتخابات باشد و بطور خاص، احزاب سیاسی نقش خطیری در کشورهایی که تقلب و خشونت انتخاباتی در آنها نهادینه شده است، بازی می‌کنند.